

صدای هن قدرتمند است

مؤلف : مرضیه رامشی



سخنی با آموزگاران محترم

به دلیل خلاء آموزشی که در صحبت کردن وجود دارد. در سیستم آموزشی ما جایی برای مهارت صحبت کردن تعریف نشده است. وقتی صحبت از چهار مهارت زبانی می شود.

منظور مهارت گوش کردن، مهارت صحبت کردن، مهارت خواندن و مهارت نوشتن است.

کارهایی که آموزگاران در کلاس انجام می دهند شامل شعر خواندن، کنفرانس، بلند خوانی، قصه خوانی، پرسش و پاسخ شفاهی دانش آموزان. اما تمام این فعالیت ها کمکی به تقویت مهارت سخن گفتن بچه ها نمی کند و در حقیقت ما گفتار غیر رسمی دانش آموزان را تقویت می کنیم.

سخن گفتن شامل دو بخش مجزا گفتار رسمی و غیر رسمی می شود.

گفتار غیررسمی: همان گفتاری است که دانش آموزان از خانواده جدا شده و وارد مدرسه می شود. و از طریق تعامل با محیط جمله بندی ها را یاد گرفته و دامنه ی لغاتش بیشتر می شود و شروع به صحبت می کند. وقتی دانش آموز صحبت می کند، فکر می کنیم فرصت هایی را برایشان فراهم می کنیم که گفتارشان تقویت شود، اما این کارها کمکی به مهارت سخن گفتن دانش آموز نمی کند. تمام فعالیت های کلاسی ما که به صورت شفاهی دانش آموز صحبت می کند. شامل گفتار غیررسمی دانش آموزان است. این گفتار غیر رسمی را می تواند به کمک صدا و سیما و دیدن انیمیشن ها و غیره تقویت کند و فقط کار معلم نیست.

سخن گفتن باید به گونه ای باشد که دستور زبان را به صورت منظم و مرتب در کلامش ارائه بدهد. سخن گفتن با صحبت کردن فرق دارد. سخن گفتن آموزش آکادمیک صحبت کردن است. سخن گفتن همان گفتار رسمی است. گفتاری که در موقعیت ها و مکان های رسمی باید صورت بگیرد.

دانش آموزان ما در مدرسه در مکان رسمی هستند. در زنگ تفریح و جمع های دوستانه هر طور که صحبت می کنند موردی ندارد. اما زمانی که قرار است کنفرانس بدهند و یک سخنرانی داشته باشند یا زمانی که قرار است پاسخ درس ها را به صورت نقادانه جواب بدهند، آنجا باید سخن بگویند و به صورت گفتار رسمی ارائه بدهد.

نقش ما معلمان در آموزش گفتار رسمی می تواند اثر بخش باشد. راهکار برای تقویت سخن گفتن یا گفتار رسمی دادن تکلیف است. به این صورت که محتوای کتاب درسی را در قالب فعالیت هایی که چهار مهارت زبانی را تقویت می کند و اهداف کتاب درسی را هم پوشش می دهد با هم تلفیق می کنیم و به دانش آموزان می دهیم.

برای اولین بار است که در ایران به صورت تخصصی به مهارت سخن گفتن توجه شده است و استاد نگین دشتستانی در دوره ی کتاب تا کلام، به صورت خیلی حرفه ای به آموزش تقویت مهارت سخن گفتن پرداخته است.

این دوره برگرفته از سیستم برنامه درسی آمریکا، سنگاپور و انگلستان است.

که ایرانیزه شده و در اختیار شما آموزگاران کوشا قرار گرفته است.

دوره ی کتاب تا کلام، سایت نگین دشتستانی

با سپاس و احترام

مرضیه رامشی

راهنمای استفاده از کاربرگ‌ها:

هدف تمام کاربرگ‌ها آموزش ارائه مطالب به صورت سخنرانی است. مراحل نوشتن متن سخنرانی در کاربرگ مشخص شده، پس از نوشتن متن حتماً به صورت گفتار رسمی جلوی آینه تمرین کند و بعد برای شما بخواند.

برای رفع ابهام، مفهوم بعضی کلید واژه‌ها، در زیر نوشته شده است:

گیم: بازی آنلاین، بازی کامپیوتری

زاویه ی دید: یعنی داستان را از زوایا و جهت های مختلف توصیف کند.

واژه های فعال: معنی واژه را می دانید و مدام استفاده می کنیم.

واژه های نیمه فعال: معنی واژه را می دانید ولی استفاده نمی کنید.

واژه های غیرفعال: معنی واژه را نمی دانید و استفاده نمی کنید.

کلید واژه ها: واژه هایی که اطلاعات جدیدی به شما می دهد.

کد تصویری: یک نماد یا نقاشی با توجه به آن واژه بکشید.

تداعی معنایی: چه واژه هایی مرتبط با آن واژه به شما یاد آوری می شود.

کاربرد کلمه: نقش کلمه در جمله را مشخص کنید.

ماحک سازی: مخفف کردن کلمه، برای ماحک سازی از واژه هایی با نشانه ی کم استفاده کنید.

مثل: طفل _ط: طاووس، ف: فرزند، ل: لاغر طاووس فرزند لاغر است.

مکالمه محور: داستان هایی که دو نفر باهم گفت و گو می کنند، مثل داستان خرگوش و خرسی مکالمه ی بین آن ها را مکالمه محور می گویند.

ارتباط چشمی: هنگام صحبت کردن و سخنرانی باید به همه ی کسانی که حضور دارند نگاه کنید و در حد دو سه ثانیه به چشم همه نگاه کنید، یعنی نگاه متعادل بین همه باید داشته باشید.

ارتباط چشمی باعث می شود سرعت کلام کندتر شود و صدا دلنشین تر می شود و حواست به مطالبی که بیان می کنید بیشتر می شود و در واقع به مخاطب احترام می گذارید.

دو داستان که در صفحات بعد مشاهده می کنید، برای حل چند کاربرگ باید از آن ها استفاده کنید.

بچه ها باید داستان را با دقت بخوانند و به سوالات کاربرگ ها پاسخ دهند.

روزی روزگاری، ماهیگیر فقیری بود که هر روز به دریا دریا رفت، تورش را به دریا می انداخت. چند تا ماهی می گرفت و با فروختن آن ها خرج زندگی اش را در می آورد. روزی از روزها، ماهیگیر قصه‌ی ما به دریا رفت. تورش را به آب انداخت، اما هرچه منتظر شد، حتی یک ماهی هم صید نکرد. اما ماهیگیر بیچاره خسته و کوفته، رو به آسمان کرد و گفت: خدایا، راضی نشو که دست خالی به خانه برگردم خودت که خبر داری اگر دست خالی به خانه بروم، بچه هایم گرسنه می مانند.

او باز هم منتظر شد و ناگهان حس کرد که تورش سنگین شده است. آن را از آب کشید، دید که خمره‌ی بزرگی در تورش گیر کرده است. خوب به آن نگاه کرد، خمره محکم بسته شده بود و مهر حضرت سلیمان روی آن دیده می شد. ماهیگیر خوشحال شد. فکر کرد داخل خمره پر از طلا و جواهر است. با خود گفت: گنج بزرگی پیدا کردم. با چاقو در خمره را باز کرد ناگهان دودسیاهی از دهانه‌ی خمره به هوا رفت و از میان دود، دیو بزرگ و تنومندی ظاهر شد. دیو با دیدن ماهیگیر، به حرف آمد و گفت:

سلام ای حضرت سلیمان! به من رحم کن و گناهانم را ببخش! ماهیگیر با تعجب گفت: چه می گویی؟ حضرت سلیمان کجا بود؟ مگر نمی دانی که سالها فوت کرده و از میان ما رفته است؟! دیو گفت: یعنی تو سلیمان پیامبر نیستی؟ ماهیگیر گفت: نه! من ماهیگیر فقیری هستم. دیو گفت: پس آماده باش که می خواهم تو را بکشم! ماهیگیر با ترس گفت: مرا بکشی؟ برای چه؟ من تو را از ته دریا نجات دادم! دیو گفت: می دانم که مرا نجات دادی. اما باید تو را بکشم! مگر گناه من چیست؟ دیو گفت: تو گناهی نداری، اما من سرگذشت عجیبی دارم!

ماهیگیر پرسید: چه سرگذشتی؟ دیو گفت: من در زمان حضرت سلیمان زندگی می کردم. او از من خواست که به خدا ایمان بیاورم. اما قبول نکردم. سلیمان هم مرا در این خمره زندانی کرد و به دریا انداخت. هفتصد سال که گذشت، با خود گفتم: اگر کسی مرا آزاد کند. هر آرزویی داشته باشد، برآورده می کنم. اما کسی پیدا نشد و مرا آزاد نکرد. هفتصد سال دیگر گذشت. با خود گفتم: اگر کسی مرا نجات دهد، تمام گنج های روی زمین را پیدا می کنم و به او می دهم. اما باز هم کسی پیدا نشد که مرا آزاد کند و نجات دهد. چهارصد سال

دیگر هم گذشت، این بار با خودم گفتم: اگر کسی مرا نجات دهد. او را می‌کشم. البته هر طور که خودش بگوید.

حالا بگو چطوری تو را بکشم!؟

ماهیگیر بیچاره فهمید که راه نجاتی ندارد مگر اینکه فکرش را به کار اندازد و راه چاره ای پیدا کند. او فکر کرد و نقشه ای کشید.

رو به دیو گفت: حالا که این طور می خواهی، من هم حاضرم. ولی قبل از مرگم، می‌خواهم بدانم که تو با این هیکل بزرگ، چطوری در این خمره‌ی کوچک جا شده بودی؟ دیو خندید و گفت: یعنی باور نمی کنی که من در این خمره بودم!؟

ماهیگیر گفت: من اخلاق عجیبی دارم. هر چیزی که با چشم خودم نبینم باور نمی کنم. دیو گفت: چشم‌هایت را باز کن و ببین.

بعد نعره ای کشید، به هوا بلند شد و مثل ستون دودی در آمد و داخل خمره رفت. ماهیگیر که دنبال همین لحظه بود، فوراً در خمره را بست. دیو از داخل خمره فریاد زد: می‌خواهی چه کار کنی؟ ماهیگیر گفت: می‌خواهم تو را به دریا بیندازم؟ دیو التماس کرد و گفت: این کار را نکن! قول می دهم که اگر مرا آزاد کنی، پاداش خوبی به تو بدهم. ماهیگیر گفت: حرفت را باور نمی کنم. من به تو خوبی کردم و از داخل آن خمره نجاتت دادم. آن وقت تو می خواستی مرا بکشی.

دیو بازهم التماس کرد و گفت: ای ماهیگیر، به من رحم کن. مرا ببخش، من به تو بد کردم، اما تو جواب بدی را با بدی نده!

ماهیگیر گفت: ولی چند دقیقه قبل، من هر چه التماس کردم. دل تو به رحم نیامد. دیو گفت: می دانم. من خیلی ناسپاسی کردم. به تو بد کردم. اما اگر این بار مرا نجات دهی قول می دهم که ثروت خیلی زیادی به تو بدهم. کاری کنم که به مقام بالایی برسی.

با این حرف ها، دل ماهیگیر به رحم آمد و در خمره را برداشت. باز هم دودی از خمره به آسمان رفت و از میان آن دیو ظاهر شد.

فوراً فوراً خمیره را برداشت و به دریا انداخت. ماهیگیر ترسید و با خود گفت: ای داد! اشتباه کردم. حتماً این دیو مرا می کشد. رو به دیو کرد و گفت: یادت هست که قول دادی، به من بدی نکنی؟ دیو گفت: بله، بله نترس و به دنبال من بیا. دیو جلو افتاد و ماهیگیر هم پشت سرش.

آن ها رفتند و رفتند تا به برکه ای رسیدند. دیوکنار برکه ایستاد و گفت: تورت را بینداز و ماهی بگیر. ماهیگیر تورش را انداخت و بیرون کشید. چهار ماهی که هرکدام یک رنگی داشتند، در تورش افتاده بودند. دیوگفت: حالا ماهی ها را بردار و به شهر برو، اینها را به حاکم هدیه کن. دیو این را گفت و رفت. ماهیگیر ماهی ها را برداشت و به شهر رفت. گشت و قصر حاکم را پیدا کرد.

ماهی ها را نشان داد و گفت: اینها را برای حاکم آورده ام.

مامورها هدیه ی ماهیگیر را نزد حاکم بردند. حاکم از دیدن ماهی های رنگارنگ خوشش آمد و کیسه ای پر از سکه به ماهیگیر داد. ماهیگیر خوشحال به خانه برگشت. چون با آن همه سکه، می توانست مدت های زیادی راحت زندگی کند.

قصه ای از هزار و یک شب به روایت حسین فتاحی



چشمه جادویی

روزی روزگاری، پادشاهی بود که تنها یک پسر داشت. شاه این تنها پسرش را خیلی دوست داشت. وقتی پسر به سن جوانی رسید. دختر شاه کشور همسایه را برای او خواستگاری کردند. پدر دختر این خواستگاری را قبول کرد قرار شد، شاهزاده همراه وزیر و خدمتکارها و نگهبان ها، به کشور همسایه برود و عروس را به کشور خودشان بیاورد.

پادشاه تعداد زیادی اسب و شتر، خدمتکار و نگهبان، در اختیار وزیر گذاشت و گفت: همراه پسرم به کشور همسایه برو و عروسم را به اینجا بیاور! کاروان راه افتاد. شاهزاده و وزیر جلوتر از دیگران رفتند. وزیر که آدم بدجنسی بود، نمی خواست شاهزاده به همسرش برسد و این ازدواج سر بگیرد. دنبال نقشه ای بود که هر طور شده این ازدواج را به هم بزند. او فکر کرد و فکر کرد و عاقبت نقشه ای کشید.

در بین راه چشمه ای بود که خاصیت عجیبی داشت. اگر مردی از آب چشمه می نوشید. به صورت زن در می آمد. وزیر بدجنس، شاهزاده ی جوان را کنار این چشمه برد. شاهزاده ی بیچاره که از همه جا بی خبر بود، کنار چشمه نشست و از آب چشمه نوشید و در همان لحظه به صورت زن لاغری در آمد. شاهزاده با تعجب به خودش نگاه کرد و گفت: چرا این شکلی شدم؟ وزیر بدجنس در دل خوشحال شد، اما خودش را ناراحت نشان داد و گفت: خیلی عجیب است! چرا قیافه ی شما عوض شد؟ چرا به صورت زن در آمدید؟ حالا چه کار کنیم؟ چه طوری به خواستگاری دختر همسایه برویم؟ شاهزاده خیلی ناراحت شد. دوباره به قیافه و هیكل خود نگاه کرد و گفت: بله راست می گویی! این طوری نمی توانم به خواستگاری بروم. وزیر گفت: درست می گوئید. دختر که نمی تواند به خواستگاری دختر دیگری برود. شاهزاده گفت: چکار کنیم؟ وزیر گفت: باید پادشاه را خبر کنیم. هرچه ایشان فرمان دهند، همان کار را انجام می دهیم. شاهزاده گفت: من همین جا می مانم. تو برو پدرم را خبر کن. ببین چه می گوید؟ وزیر سوار اسبش شد و به قصر پادشاه برگشت و ماجرا را برای او تعریف کرد. شاه پزشکها و حکیم های قصر را دعوت کرد.

ماجرا را برای آن‌ها تعریف کرد. اما پزشک‌ها گفتند: شاهزاده دچار جادو شده. حتماً آب آن چشمه جادویی بوده و او را طلسم کرده است. ما نمی‌توانیم آن طلسم را باطل کنیم. شاه که این حرف‌ها را شنید رو به آسمان کرد و گفت: خداوندا به تو پناه می‌برم!

شاهزاده سه روز و سه شب در بیابان تنها ماند. آن قدر نگران و ناراحت بود که لب به آب و غذا نزد. شب چهارم همان طور که در تاریکی نشسته بود، سواری به او نزدیک شد. سوار از اسب پیاده شد و گفت: ای زن! تنها در این بیابان چه می‌کنی؟ شاهزاده گفت: من زن نیستم! شاهزاده‌ی این کشورم. آب چشمه را خوردم و به این صورت در آمدم. مردگفت: ای جوان! وزیر بدجنس تو را به این صورت در آورد. او می‌دانست که آب چشمه جادویی است. اصلاً نقشه‌ی او بود که تو به اینجا بیایی و از این آب بنوشی و اینطوری شوی! شاهزاده گفت: تو از کجا می‌دانی؟ مرد گفت: چون من شاهزاده‌ی سرزمین پریان هستم. به من می‌گویند شاهزاده پری. من از همه چیز خبر دارم. شاهزاده گفت: کمک می‌کنی که از این بلا نجات پیدا کنم؟

شاهزاده پری گفت: همراه من بیا تا کمکت کنم. باید به سرزمین پریان برویم. جوان گفت: چطوری؟ شاهزاده پری گفت: بیا و ترک اسب من سوار شو. چشمانت را ببند و تا نگفته‌ام آن‌ها را باز نکن! شاهزاده ترک اسب شاهزاده پری نشست و چشم‌هایش را بست. اسب به حرکت در آمد و پرواز کرد. آن‌ها رفتند و رفتند، از کوه‌ها و دشت‌های زیادی گذشتند. روزها و ماه‌ها رفتند. طوریکه شاهزاده نگران شد و پرسید: چطوری این همه راه را برگردم؟ شاهزاده پری گفت: نگران نباش! وقتی به صورت اول درآمدی خودم تو را به سرزمینت می‌رسانم!

بعد از مدت‌ها پرواز، آن‌ها به سرزمین خشکی رسیدند، جایی که پر از سنگ‌های سیاه بود و اصلاً درخت و سبزه نداشت. شاهزاده پری گفت: اینجا سرزمین سیاه است. در اینجا چشمه‌ای وجود دارد که آبش درمان درد توست. شاهزاده گفت: یعنی اگر از آب این چشمه بخورم، به حالت اول برمی‌گردم؟ شاهزاده پری گفت: بله! اینجا به چشمه‌ی زنان معروف است. هر زنی که از آب آن بنوشد، به شکل مرد در می‌آید.

شاهزاده خوشحال شد و هر دو راه افتادند. تا به آن چشمه رسیدند. شاهزاده مشتکی از آب چشمه نوشید. فوراً به صورت اول درآمد. در آب چشمه به عکس خودش نگاه کرد و با خوشحالی گفت: ای شاهزاده پری! ازت

ممنونم. در حق من خدمت بزرگی کردی. حالا چطور به سرزمین خود برگردم؟ چون پدرم خیلی نگران است. شاهزاده پری گفت: اگر خودت به تنهایی بخواهی بروی، سال ها طول می کشد. شاهزاده گفت: پس چکار کنم؟ باید زودتر برگردم. شاهزاده پری گفت: وقتی تو از قصر پدرت درآمدی، می خواستی به دیدن همسرت بروی و او را به کشور خودت ببری. اما نتوانستی. حالا من کاری می کنم که موفق شوی. شاهزاده گفت: ممنونم فقط زودتر این کار را بکن! شاهزاده پری گفت: همراه من بیا.

آنها راه افتادند و به قصر شاه پریان رفتند. در آنجا شاهزاده پری یکی از خدمتکارهای پدرش را صدا کرد. غول وحشتناکی جلو دوید و کنار آنها ایستاد. جوان نگاهی به غول انداخت و ترسی. د. شاهزاده پری گفت: به قیافه‌ی ترسناکش نگاه نکن، قلب مهربانی دارد. بر پشت او سوار شو و چشمانت را ببند. او زود تو را به قصر پدر همسرت می رساند. شاهزاده بر پشت غول سوار شد و چشمانش را بست. غول پرواز کرد. مدتی گذشت و غول بر زمین نشست. شاهزاده چشمانش را باز کرد، قصر زیبایی را دید. غول گفت: این قصر پدر همسرت است. به آنجا برو که منتظرت هستند. شاهزاده به طرف قصر رفت. جلوی قصر به نگهبانی گفت: من داماد شاه هستم. نگهبان با شادی به داخل قصر دوید و بقیه ی نگهبان‌ها را خبر کرد. چند نگهبان آمدند و شاهزاده را به داخل قصر بردند. آنجا همسرش و پدر و مادرش منتظر او بودند. همه خوشحال شدند. شاه دستور داد که جشن عروسی را برپا کنند. روز بعد جشن برپا شد و شاه دخترش را به عقد شاهزاده در آورد. چند روز بعد شاهزاده همراه همسرش به کشور خود برگشت.

قصه‌ای از هزار و یک شب به روایت حسین فتاحی





مهارت های

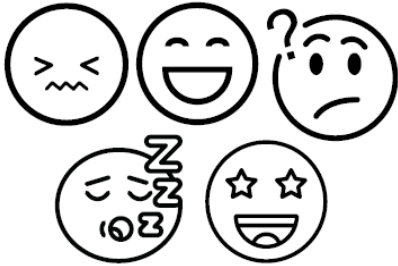
فرا زبانی

تمرین اول

انتخاب واژه



یک واژه انتخاب کنید، ۳۰ ثانیه زمان بگیرید از دانش آموز بخواهید در مورد واژه، بدون مکث هر جمله‌ای یادش می‌آید بیان کند. جملات را خنده دار یا با هر احساسی که دوست دارد بگوید.



تمرین دوم

کارت های ایموجی:



تمرین سوم

بازی رادیویی:

تمرین چهارم

سرعت کلام:



می توانید به عنوان تکلیف در منزل انجام بدهید. اگر دانش آموزی سرعت کلام زیادی دارد باید در منزل این تمرین را انجام دهد. به این صورت که اگر قبلاً ۱ دقیقه در مورد موضوعی صحبت می کرد، الان زمان را سه دقیقه بگیرد و در مورد همان موضوع صحبت کند و یا برعکس دانش آموزی که خیلی آرام و آهسته صحبت می کند، این زمان را کمتر کند و در مدت کوتاه تری صحبت کند. این تمرین باید هر روز انجام شود تا تغییرات لازم صورت بگیرد.

تمرین پنجم

شروع آغازین:



هر هفته یک سرود یا یکی از شعرهای کتاب فارسی را قبل از ورود معلم با لحن و تن صدای مناسب بخوانند. می توان از موسیقی های سنتی استفاده کرد و در زمان ۲ تا ۳ دقیقه بلند بخوانند.

تمرین ششم

بازی های گروهی کلاسی:

بهتر است این فعالیت در حیاط مدرسه انجام شود. گروه ها ۳ یا ۴ نفره باشد. در مورد یک فعالیت درسی در گروه های خود صحبت کنند. به این صورت که صدای آن ها به گروه های دیگر نرسد. اما اگر کسی تن صدای پایینی دارد. برعکس باید انجام دهد از او بخواهید بلند صحبت کند تا گروه دیگر صدای او را بشنوند. اگر هر کدام از گروهها درست انجام ندادند، امتیاز از گروه کم می شود.



تمرین هفتم

زبان بدن:



در مورد زبان بدن که شامل ارتباط چشمی، ایستادن و حرکات دست و سر است توضیح دهید. یک کنفرانس یا تحقیق را که آماده کرده اند، با استفاده از زبان بدن و ارتباط چشمی اجرا کنند. بعد از اجرا در مورد نقاط قوت و ضعف زبان بدن بحث و بررسی کنیم.

تمرین هشتم

طرح داستان:



از اول سال تقریباً سه هفته ای یک بار، در قالب کار برگ‌های نوشتاری که در آن داستان‌هایی در مورد اشکالاتی که شخصیت داستان در ارتباط با زبان بدن دارد، بدهید، سوالاتی طرح کنید تا دانش آموز خودش را جای شخصیت داستان بگذارد. در واقع دانش آموز با قرار دادن خود به جای شخصیت داستان کم‌کم متوجه خودش می‌شود و تمرین می‌کند که آنها را رفع کند. این تمرینات به مرور و بعد از چند ماه نتیجه بخش خواهد بود.

تمرین نهم



تصویرات من:

از بچه ها بخواهید وقتی صحبت می کنند زبان بدنشان را تصور کنند. مثلاً چهره اش قرمز می شود، چشمانش را جمع می کند، سرش را پایین میگیرد و هر مدلی که اجرا می کند بنویسد به آن ها بگویید بدون تعارف تمام ضعف هایش را بنویسد

و در آخر برگه بنویسد چه کاری برای بهتر شدن خودم انجام دهم و وقتی که ضعف های خود را شناخت، هر دفعه تلاش می کند و با تکرار و تمرین آنها را رفع می کند.



تمرین دهم

منشور کلاسی:



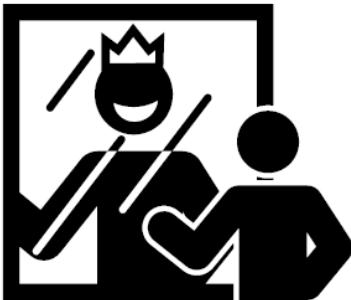
می توانید از پوسترهایی که چگونگی رعایت زبان بدن را نشان می دهد در کلاس نصب کنید.

بچه ها از آنها برای تکرار و تمرین استفاده کنند.

تمرین یازدهم

بازی و نمایش:

از بچه ها بخواهید عکس یا پوستر شخصیتی را که دوست دارند به کلاس بیاورند و بگویند اگر روزی او را ببینند چطور با او صحبت می کنند؟ این بازی در حیات مدرسه انجام شود. به این صورت که ۵ دقیقه زمان بگیرید و عکس شخصیت را رو به روی خود بگذارند و با نگاه کردن به عکس با او حرف بزنند. بعد از پایان ۵ دقیقه بچه ها دو نفر، دو نفر روبه روی هم می ایستند و باید همان مطالب را به دوست خود بگویند. حالا شما می توانید این فعالیت را با مطالب درسی انجام دهید و مطالب درسی را به آن شخصیت توضیح دهند. در این مرحله به آن ها می گوئیم چطور به دوست نگاه کن باید چند ثانیه نگاه کنی.



بچه هایی که مشکل دارند همین تمرین را در منزل جلوی آینه تمرین کنند. او باید تصور کند که در کلاس ایستاده است و حرکت چشمش به صورتی باشد که ۷ را می نویسد و چشم را می چرخاند.

تمرین دوازدهم

مهارت توضیح:

توضیح با کمک ابزار که شامل نمودار، شکل ها، نقشه ها، مختصر کردن است. با کمک نمودار باید مطلبی را توضیح دهند. نمودار را در پای تابلو رسم کرده و به صورت گفتاری توضیح می دهند یا توضیحات را در پایین نمودار در برگه می نویسند است یا برای کوتاه کردن متن و توضیح دادن راحت تر از مختصر کردن توضیحات استفاده می کنند. یا از نقشه ی راه که در شروع مناسب کلام گفتیم استفاده می کنند.



تمرین سیزدهم



تصویر نویسی:

یکی از مهارت‌های تاثیر گذار است که متناسب با پیام و هدف تمام جزئیات تصویر را منسجم می نویسند.

تمرین چهاردهم



تصویر گویی:

از تصاویر انتزاعی، متناسب با هدف و پیام استفاده کنید. دانش آموز به صورت منسجم و گفتاری، داستان یا قصه ارائه دهد.

تمرین پانزدهم



توصیف:

باید یک موضوعی باشد که مشاهده کند و بنویسد. مثلاً بچه ها آینه آورده اند، باید چشم خود یا لب خود را ببینند و از زاویه های مختلف توصیف کنند.

تمرین شانزدهم

رعایت نوبت:

این تمرین مناسب بچه هایی است که اجازه صحبت به دیگران نمی دهند و مدام در صحبت همسالان و بزرگسالان می پرند. ناظر رعایت ادب مشخص کنید و هفتگی یا روزانه تغییر دهید، به این صورت که کسی که انتخاب شده یک جدولی تهیه کند و در هر زنگ کسی که ادب کلام را رعایت نکرده اسمش در جدول نوشته شود و جزئیات نوشته شود.

منظور پریدن در صحبت دیگران است.

روش دیگر روی یک برگه قاب خالی بکشند و قیافه‌ی خود را وقتی دوستش به او اجازه صحبت نمی دهد در وسط قاب بکشد. بعد همه‌ی کاربرگ‌ها روی یک بند در کلاس آویزان شود. سپس توجه بچه‌ها را به نقاشی‌ها جلب کنید و بگویید قیافه‌ها را ببینید آیا دوست دارید دوستت ناراحت شود؟

تمرین هفدهم

مهارت سوال پرسیدن:



سوال پرسیدن برای کسب اطلاعات و یادگیری است. سوالی خوب است که شفاف و سنجیده باشد. برای اصولی سوال پرسیدن چند مورد زیر را تمرین کنید.

چند سوال اصولی از بچه‌ها بپرسید و بگویید چه کسی می‌تواند با

این روش از دوستانش سوال بپرسد؟

زمان پرسیدن سوال و موقعیت مخاطب در سوال پرسیدن خیلی مهم است. هر وقت سوال داری و کسی صحبت می‌کند سوالات را یادداشت کنید و بعد از تمام شدن صحبت و در زمان مناسب سوال خود را مطرح کنید و وقتی سوال می‌پرسید حتما با لحن مناسب و با توجه به مخاطب سوال را مطرح کنید.

در پرسیدن سوال دقت کنید، سوال شخصی نباید بپرسید، از بچه‌ها بخواهید، سوالاتی که دوست ندارند از آنها پرسیده شود روی کاغذ بنویسند و در بین دوستانشان در کلاس پخش کنند تا بقیه هم متوجه شوند که

چه سوالاتی را نباید از دوستانشان بپرسند. سوالات باز و بسته را آموزش دهید بعد درس را مشخص کنید و قسمتی که سوال باز و بسته باید طرح کنند مشخص کنید، به بچه‌ها بگویید فردا شما باید از دوستانتان سوال بپرسید، از قسمتهای مشخص شده سوال بنویسید.

طرح سوال استدلالی: یعنی بچه‌ها باید سوالی را طرح کنند که برای پاسخ دادن فکر کنند و راحت نتوانند پاسخ دهند یک درس مشخص کنید و به عنوان تکلیف دو سوال استدلالی از آن بنویسند. به این صورت که مطالبی که یاد گرفتن را بدون اینکه پاسخش در کتاب باشد بگویند.

سوالات جهت دار، برای جلب توجه بچه‌ها به موضوع درس است. بچه‌هایی که می‌خواهند کنفرانس بدهند به آنها بگویید قبل از شروع کنفرانس سوالاتی در مورد درس به عنوان ایجاد انگیزه از بچه‌ها بپرسند که حواسشان جمع شود و به کنفرانس توجه کنند.

به عنوان مثال درس گیاهان است، سوالاتی از نمایشگاه گل و گیاه و تنوع گیاهان بپرسند.

سوالات مکالمه‌ای، پرسش و پاسخ به صورتی باشد که سوالات در راستای سوالات قبلی باشد. به گروههای دو نفره تقسیم شوند و در مورد یک موضوع از همدیگر سوال بپرسند.

لحن مناسب، سوالات را به صورتی بپرسید با لحن مناسب و مهربان که بچه‌ها استرس نگیرند.

سوالات کوتاه: سوالات کوتاه را در یک کاربرگ طراحی شده بنویسید که بچه‌ها لذت ببرند. کاربرگ اتوبوس یا قطار و سوالات کوتاه در پنجره‌های اتوبوس یا واگن‌های قطار نوشته شود.

شروع کلام

مناسب



ارائه ی شما

به عنوان سخنران ، می خواهید در مورد گیم (بازی کامپیوتری) صحبت کنید، به چه صورت این مطلب را ارائه می دهید؟

هدف

به عنوان یک سخنران ، هدف اصلی شما از ارائه ی این متن چیست؟



از چه واژه ها و جمله هایی استفاده می کنید؟
تعدادی از آن ها را بنویسید.

متن سخنرانی را با یک نقل قول شروع کنید که سخنرانی شما را جذاب کند و با دقت گوش کنند. متن را در این کادر بنویسید.



به نام خدا

نام و نام خانوادگی:

پایه:



با توجه به متن علمی با پرسیدن سوالات جالب و چالشی می توانید، صحبت خود را شروع کنید.

سه مدل سوال پرسید:

سوالات جذابی که جواب آن کوتاه است.

سوالات جذابی که جواب آنها بلند است.

سوالاتی که مخاطب را به فکر وا می دارد.

سوالات خود را در کادر زیر بنویسید.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

لطفا متن علمی زیر را با دقت بخوانید.

شناور ماندن مواد

پی بردن به بعضی از خواص مثلا قابلیت شناور شدن، آسان است.

مقدار ماده در حجم معین یک شی چگالی نامیده می شود. اشیا و مایعات، روی مایعاتی با چگالی زیاد شناور می مانند و در مایعاتی با چگالی کمتر فرو می روند. با توجه به شکل:

چوب پنبه روی روغن و روغن روی آب شناور می ماند. مکعب پلاستیکی (لگو) در روغن فرو می رود، اما روی آب شناور می ماند.

پیاز در روغن و آب فرو می رود، اما در شربت قند شناور می ماند. شربت قند در زیر آب قرار می گیرند. نویسندگان متن علمی را چگونه شروع کرده است؟ توضیح دهید.



عزیزم تصور کن شما کارشناس آشپزی هستید. از شما دعوت شده در جشنواره ی غذا شرکت کنید. بعد از اینکه خودتان را معرفی کردید دیدگاه خود را در مورد غذاهای جشنواره توضیح دهید.

مخاطبان شما در این جشنواره ی غذا، دوستان و همسالان شما هستند. دوست دارید بعد از مصاحبه مخاطبان در مورد شما چه بگویند؟



.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

به نام خدا

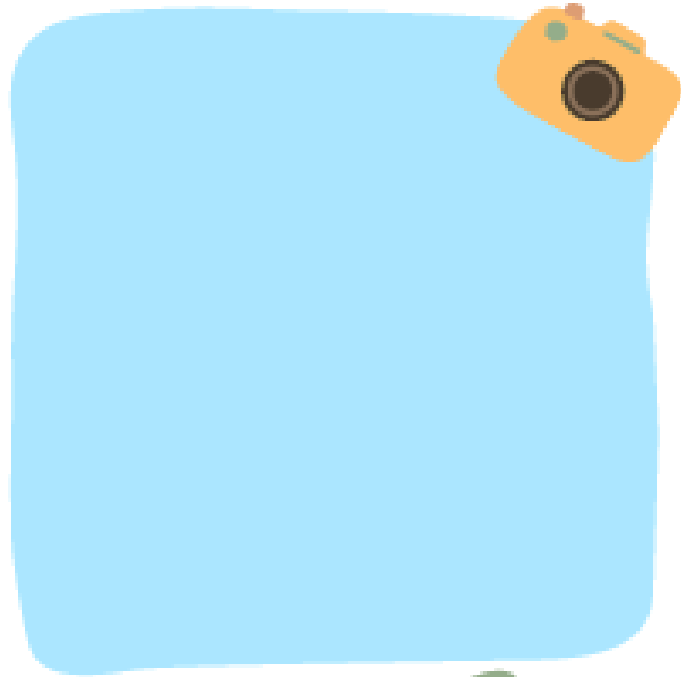
نام و نام خانوادگی:

پایه:

نام کتاب قصه:

نام نویسنده:

یکی از اتفاقات داستان را به تصویر بکش.



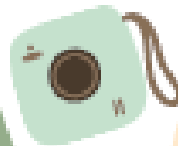
شخصیت های داستان را نام ببرید.

زاویه ی دید داستان را مشخص کنید.

خواندن این داستان چه احساسی را به شما منتقل کرد؟



نویسنده داستان را چگونه شروع کرده توضیح دهید؟



به نظر شما با چه روش های دیگری می توانست داستان را شروع کند؟



به نام خدانام و نام خانوادگی:

پایه:

عزیزم یک متن سخنرانی بنویس که برای دانش آموزان در صف صبحگاه اجرا کنی. موضوع سخنرانی شما در مورد رعایت همدلی با دیگران است.



.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

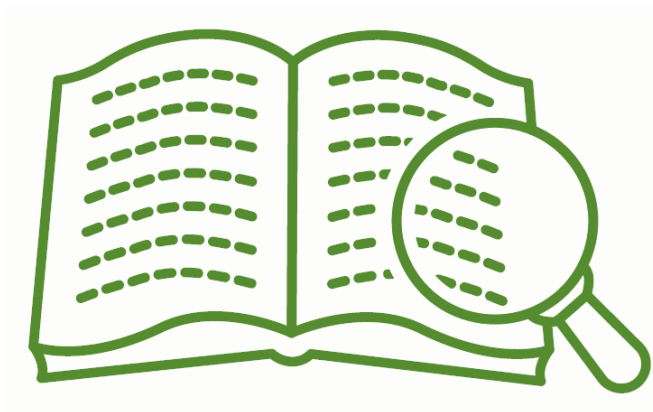
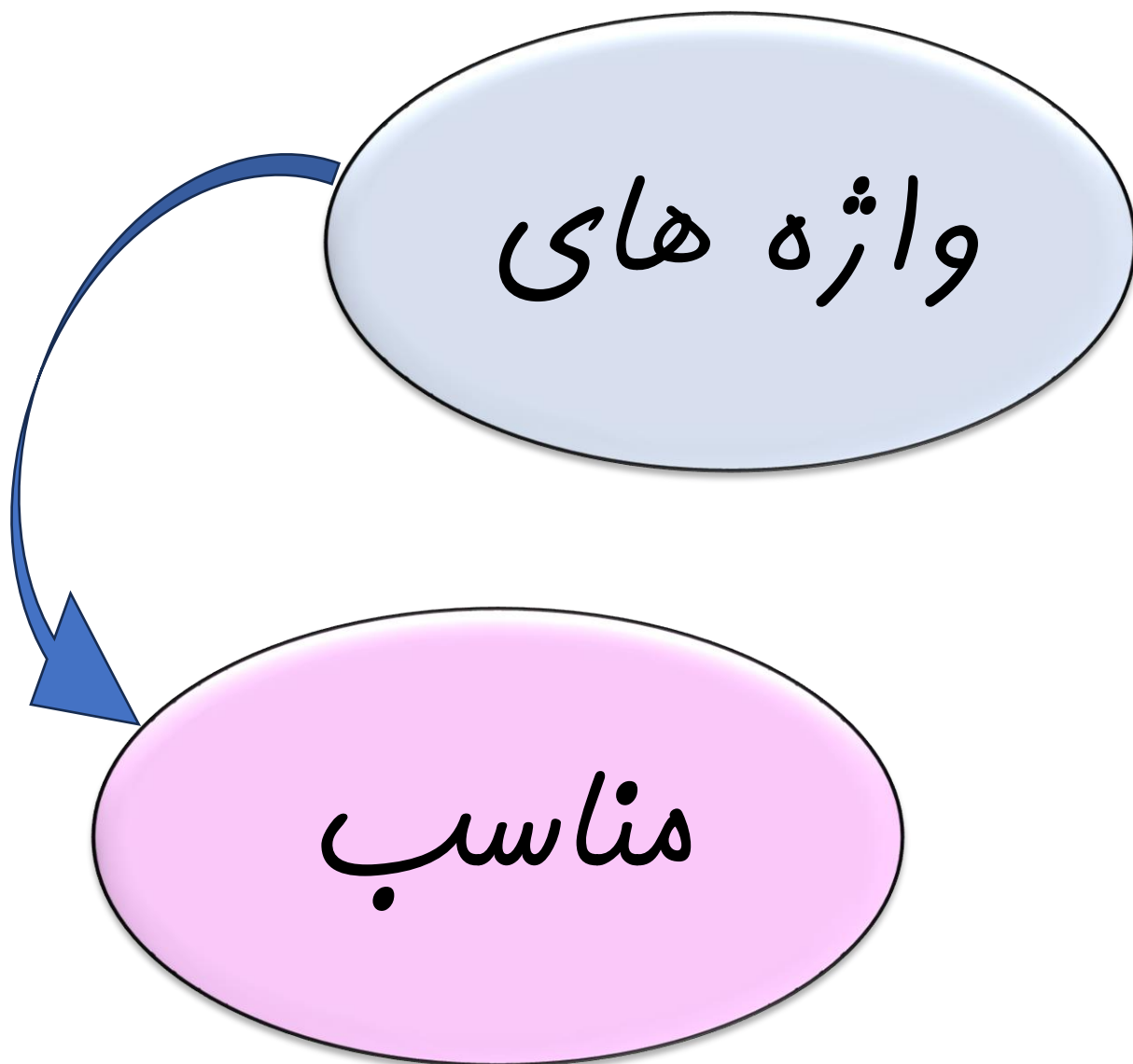
.....

.....

.....



.....



به نام خدا

پایه:

نام و نام خانوادگی:

تم داستان:

عنوان داستان:

سه سوال جذاب هوشمندانه از داستان بنویسید و کامل جواب دهید.

با توجه به داستان، واژه های خواسته شده را در جدول بنویسید.

واژه های غیر فعال

واژه های نیمه فعال

واژه های فعال

با واژه های فعال و نیمه فعال یک یا دو بند در مورد موضوع، متن جدید بنویسید.

.....
.....
.....

به نام خدا

شعبه:

نام و نام خانوادگی:

خلاصه داستان چشمه ی جادویی را بنویسید.

.....

.....

.....

.....

.....

سه نکته مهم استان را بنویسید:

.....

.....

.....

برای داستان مجموعه واژگان را پیدا کنید.

.....

.....

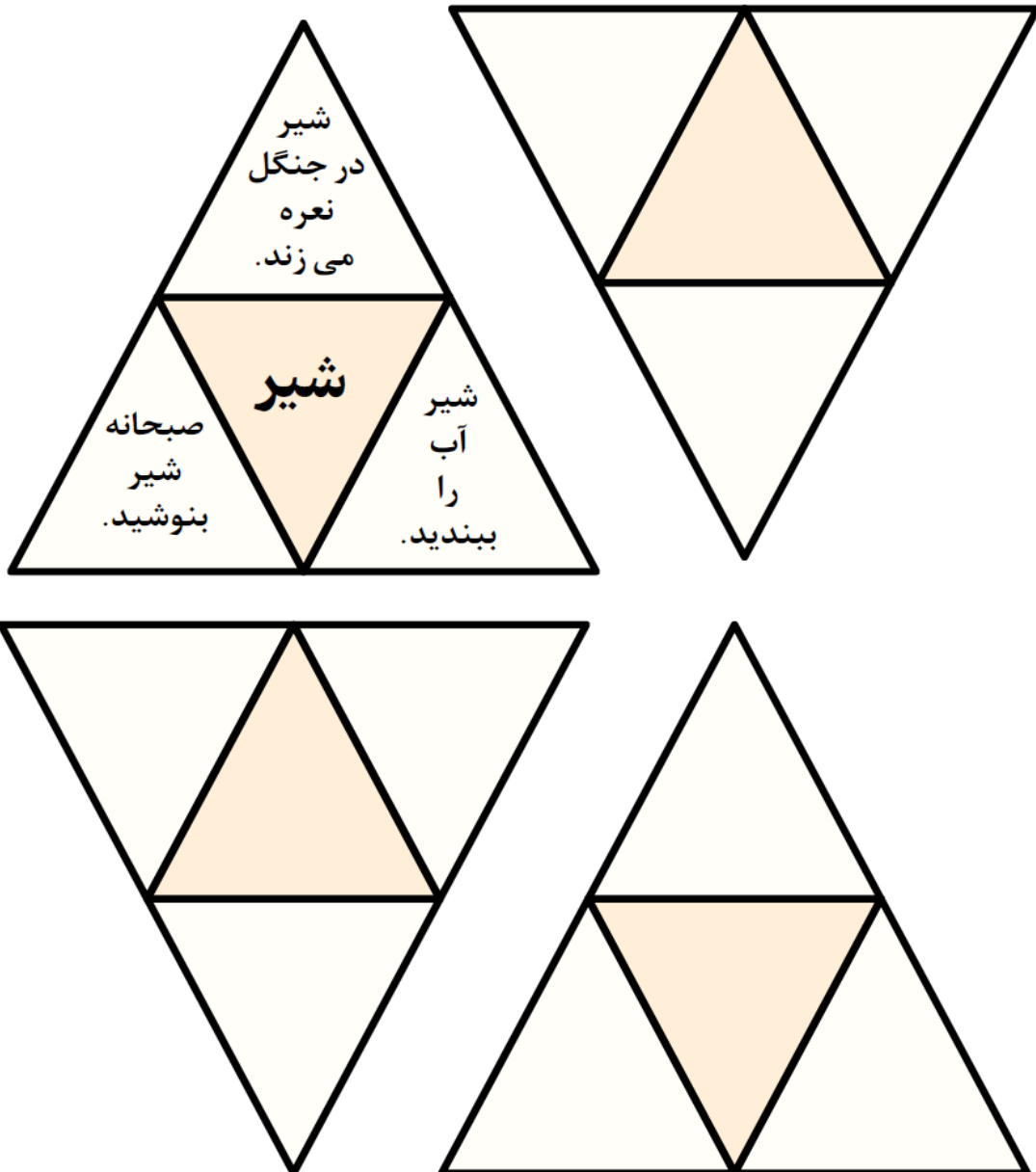
.....

به نام خدا

پایه:

نام و نام خانوادگی:

سه واژه از داستان دوم که در جمله های مختلف متفاوتی دارند. هر کدام از معانی متفاوت را در یک جمله به کار ببر. روی یکی از ابعاد هرم بنویس. مانند نمونه انجام بده.

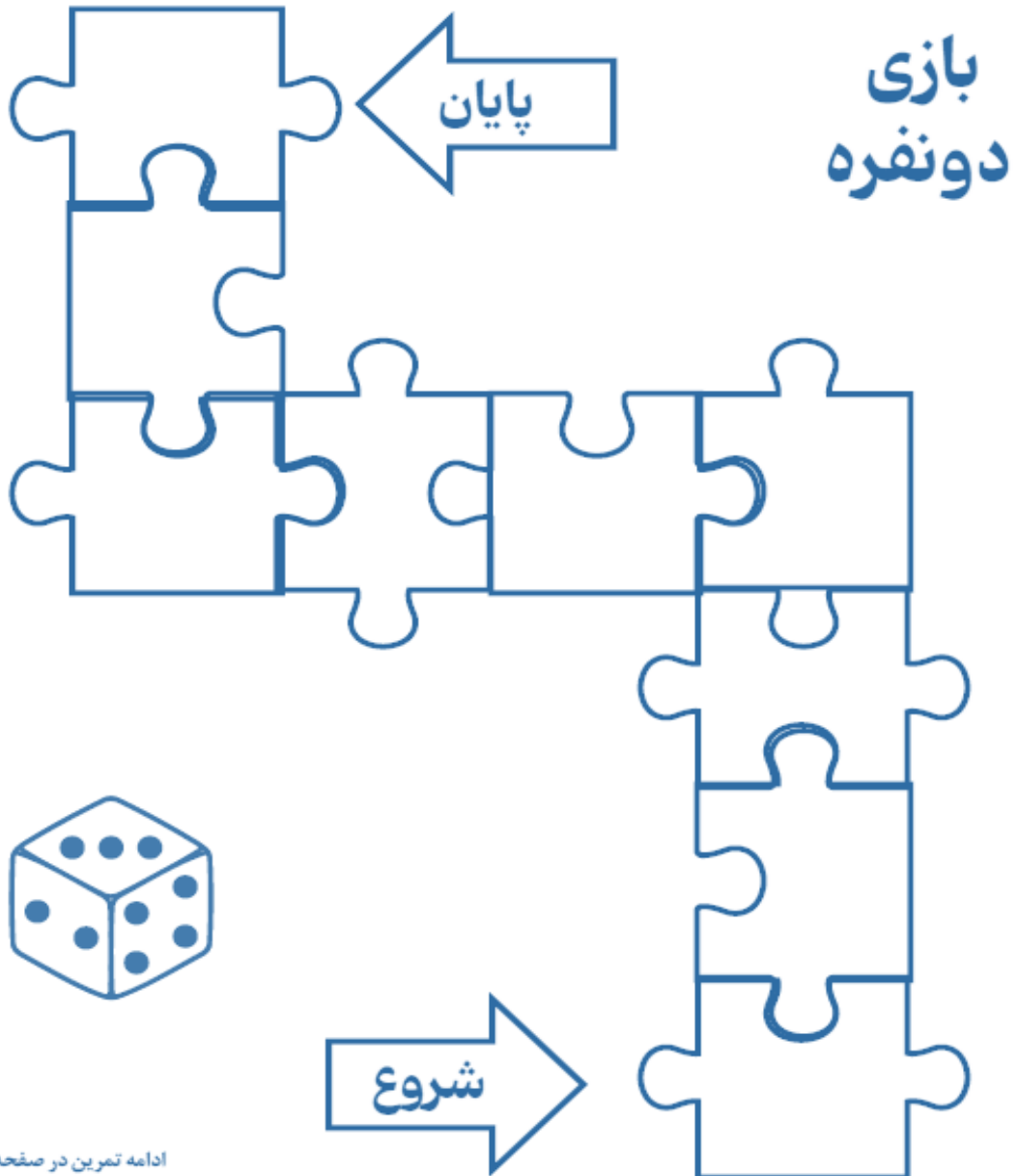


به نام خدا

پایه:

نام و نام خانوادگی:

در قسمت شروع: یک کلمه از داستان دوم بنویس سپس تاس را بیانداز و به اندازه ی هر عددی که آمد، کلماتی را بگویند که حرف آخر کلمه ی نوشته شده است. بعد کلمات را در قسمت خودت بنویس و دوباره نوبت نفر مقابل است، به همین روال ادامه پیدا می کند برای هیجان بیشتر حتما زمان بگیرد.



ادامه تمرین در صفحه بعد

به نام خدا

نام و نام خانوادگی:

شعبه:

عزیزم در زیر یک نمونه از تمرین نوشته شده و شما با توجه به آن دو جمله از داستان دوم انتخاب کن و مانند آن کلماتی جایگزین کن که معنی جمله تغییر نکند. برای هر جمله سه جمله ی جدید بنویس.
در بین راه چشمه ای بود که خاصیت عجیبی داشت.
در وسط راه آب جایی بود که فایده ی شگفت انگیزی داشت.
در میان راه خانی بود که اثر حیرت آوری داشت.



.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



به نام خدا

نام و نام خانوادگی:

شعبه:



یک داستان مکالمه محور انتخاب کنید.
نام داستان:
در جدول موارد خواسته شده را بیان کنید.

جمله های جایگزین	هدف از گفتن این جمله	جمله ی گفته شده	نام شخصیت ها

آیا جمله هایی که شخصیت های داستان به کار برده اند متناسب با مخاطبان بوده است ؟
اگر مخاطبان ما در هنگام صحبت کردن از ما بزرگ تر باشند چه نکاتی را باید رعایت کنیم ؟



“ پایان سخن ”

در این مرحله بچه ها کاملا یاد گرفتن تمام مراحل تقویت کلام را کار کردید و باید بتوانند یک متن سخنرانی را بنویسند و ارائه دهند.
به علت اهمیت پایان سخن چند تکنیک گفته می شود که بتوانند اجرای کامل و خوبی را ارائه دهند.

با یک جمله یا عبارتی در مورد متن سخنرانی سخنرانی را به پایان برسانید.
عناوین مهم سخنرانی را جمع بندی کنید و یک سوال چالشی بپرسید.
اول سخنرانی سوال بپرسید و بعد آخر سخنرانی باید به سوال پاسخ دهند.
با یک دعوت، اقدام به عمل کنید به عنوان مثال در مورد محیط زیست سخنرانی کردید و در آخر بگویید من و پدرم آخر هفته برای جمع آوری زباله به لب دریا می رویم اگر دوست دارید همراه ما بیایید.
در پایان سخنرانی تشکر کنید به این صورت که سپاسگزارم که این فرصت را به من دادید که سخنرانی کنم سپاسگزارم ۳۰ دقیقه به سخنان من گوش دادید و سرتان را تکان دادید با ذکر جزئیات تشکر کنید.



چند تمرین نوشتاری برای تقویت مهارت سوال پرسیدن:

(۱) داستان نویسی معکوس:

با توجه به هدف و موضوع درس از بچه‌ها می‌خواهیم یک داستان کوتاه بنویسند و یک سری سوال درباره اجزای داستان (شخصیت‌ها، مکان و حادثه) ایجاد کنند. این فعالیت کمک می‌کند که بفهمند چگونه سوالات می‌توانند به تفهیم بهتر یک متن کمک کند.

(۲) عکس نویسی:

یک عکس جالب و مرتبط با موضوع یک درس را در اختیار دانش آموزان قرار می‌دهیم و از آنها می‌خواهیم هرگونه سوالی که در ذهنشان به وجود می‌آید، در مورد عکس بنویسند.

(۳) گفتگو با شخصیت‌ها:

می‌توانیم از بچه‌ها بخواهیم یک شخصیت خیالی طراحی کنند در رابطه با موضوع درس مورد نظر با او یک مصاحبه ترتیب دهند و سوالات خوبی را که می‌توانند از او بپرسند، بنویسند و پاسخ‌های او را هم یادداشت کنند.

(۴) شرح و تفسیر:

بچه‌ها از یک متن یا شعری که خوانده‌اند یک جمله را انتخاب کنند و آن جمله را تفسیر کنند و سپس سوالاتی درباره مفهوم کلی آن جمله یا شعر بنویسند.

(۵) برچسب گذاری سوالات:

از بچه‌ها خواسته شود برای هر متن یا درس در کنار جمله‌ها یا بندهای درس یک سوال مرتبط با متن بنویسند.

چند تمرین نوشتاری برای تقویت عوامل فرازبان:

۱- داستان سرایی با لحن‌های مختلف:

از بچه‌ها بخواهید با توجه به موضوع و پیام اصلی یک درس یا کاربرد یک ضرب المثل، داستان بنویسند و آن را با لحن‌های مختلف مثلاً (شاد، غمگین، عصبانی یا ...) بخوانند یا تعریف کنند.

۲- نمایش نویسی و اجرا:

بچه‌ها را تشویق کنید تا نمایشنامه‌ای کوتاه بنویسند و در آن مکالمه‌هایی را تنظیم کنند که به تغییر لحن و سرعت نیاز داشته باشد. (موضوعات نمایشنامه را بر مبنای اهداف درسی انتخاب کنید تا بتوانید از آنها به عنوان روش‌هایی برای پرسش و پاسخ‌های کلاسی استفاده کنید).

۳- گفتگو با اهداف خاص:

تمرینی طراحی کنید که بچه‌ها باید در یک گفتگو هدف خاصی مثل آرام کردن یک دوست یا تشویق به همکاری را دنبال کنند. برای این گفتگو یک مکالمه بنویسید و آن را با تمرکز بر سرعت و شدت بیان اجرا کنند.

۴- داستان نویسی زنجیره‌ای:

هر دانش آموز یک جمله می‌نویسد و نفر بعدی ادامه می‌دهد. این فعالیت در هنگام خواندن و تعریف کردن، عوامل فرازبان بچه‌ها را درگیر می‌کند.

چند تمرین نوشتاری برای تقویت زبان بدن:

۱. روزنامه احساسات:

از بچه‌ها بخواهید هر روز احساسات خود را در یک دفتر یادداشت کنند و برای هر احساس زبان بدن مربوط به آن را توصیف کنند. (مثلاً حالت چهره، حرکات بدن، نحوه نشستن) این تمرین به آنها کمک می‌کند که به شناخت عمیق‌تری از احساسات خود برسند و نحوه ابراز آنها از طریق زبان بدن را درک کنند بهتر است با ذکر یک مثال برای بچه‌ها توضیح دهیم. مثلاً:

من امروز خیلی خوشحالم؛ چون با دوستانم وقت گذراندم. من در تمام لحظه‌هایی که خوشحال بودم لبخند بزرگی بر لبم بود. شانه‌هایم راست و رها بود و در تمام حرکات دست و صورتم سرزندگی وجود داشت.

۲-داستان نویسی با تمرکز بر زبان بدن:

از بچه‌ها بخواهید با توجه به موضوع و هدف اصلی یک درس، یک داستان کوتاه بنویسند و در آن به شخصیت‌های داستان، نحوه استفاده از زبان بدن (حرکات مختلف حالات چهره و ...) برای ابراز احساسات مختلف اضافه کنند. این تمرین کمک می‌کند تا به ابعاد غیرکلامی ارتباطات دقت کنند و توانایی توصیف آن را تقویت کنند.

۳- تحلیل فیلم یا داستان:

بچه‌ها می‌توانند یک فیلم یا داستان را تماشا کنند و نظرات خود را در مورد زبان بدن شخصیت‌ها بنویسند و تحلیل کنند که چگونه رفتارهای غیر کلامی به انتقال احساسات و ارتباط آنها کمک می‌کند این تمرین تفکر انتقادی بچه‌ها را تقویت می‌کند و به نگاه دقیق‌تر می‌انجامد.

۴- نوشتن فنون زبان بدن با کمک جمله‌های درسی:

از بچه‌ها بخواهید لیستی از حرکات و نشانه‌های مثبت زبان بدن را تهیه کنند. مانند (لبخند زدن، برقراری تماس چشمی، نشستن با پشت صاف)، سپس با چند تا از کلیدواژه‌های درس، جمله بسازند یا در مورد هر کدام از کلیدواژه‌ها چند خط توضیح بنویسند و در هنگام خواندن جمله‌ها و توضیحات زبان بدن نوشته شده را به کار ببرند. این تمرین به بهبود هماهنگی بین گفتار و رفتارهای غیرکلامی آنها کمک می‌کند.

۵- بازی‌های نقش‌آفرینی:

از بچه‌ها بخواهید به صورت گروهی، با توجه به یکی از موضوعات درسی یک سناریو بنویسند و به صورت گروهی آنها را اجرا کنند این تمرین باعث می‌شود بچه‌ها در شرایط واقعی، زبان بدن خود را تقویت کنند.